پنج قاره

اعدام قاتل مکزیکی در آمریکا

● **رویترز:** مردی تبعه مکزیک در ایالت تگزاس آمریکا با تزریق مواد سمی اعدام شد. این مرد ۴۴ساله به نام «رامیرو هرناندز» به‌دلیل کشتن کارفرمایش با میله آهنی و چندین بار تجاوز به همسر مقتول در اکتبر سال ۱۹۹۷ به اعدام محکوم شده بود. هرناندز ششمین فرد در تگزاس و شانزدهمین فرد در سراسر آمریکاست که طی سال‌جاری میلادی اعدام شده است. هرناندز در آخرین سخنان خود اعلام کرد از اینکه توانسته است برای آخرین‌بار خانواده‌اش را ببیند خدا را شکر می‌کند. او همچنین گفت: «از کاری که انجام دادم متاسف هستم»

سقوط هلیکوپتر روی سقف بیمارستان

ایرنا: هلیکوپتر امداد روی سقف بیمارستان دانشگاه نیومکزیکوی آمریکا سقوط کرد و در آتش سوخت. این هلیکوپتر سه‌سرنشین داشت و در حال بازگشت از ماموریت انتقال بیمار به بیمارستان بود. فقط خلبان این هلیکوپتر در این حادثه زخمی شد اما وی نیز در وضعیت باثبات قرار دارد. یکی از شاهدان گفت هلیکوپتر حدودا ۱۰ متر از سقف بیمارستان دانشگاه به هوا بلند شد اما کمی بعد دوباره روی سقف سقوط کرد.

شورش در زندان ۶ قربانی گرفت

● **پلیس‌خبر:** دست‌کم شش زندانی به دلیل آتش‌سوزی که در جریان شورش در مرکز بازداشت موقت واقع در ایالت شمالی برزیل ایجاد شد، کشته شدند. ۳۲ زندانی در بند ۲۵ این زندان شورش کردند. آنها برای اینکه توجه مسوولان زندان را به خود جلب کنند، چندین تشک را به آتش کشیدند. در این حادثه به دلیل شعله‌های آتش، پنج‌نفر از زندانیان در دم جان باختند و ششمین زندانی چندین ساعت بعد و به دلیل جراحات وخیم و سوختگی جان سپرد. ۲۶ زندانی دیگر نیز مجروح شدند. تحقیقات برای روشن‌شدن دلایل این شورش ادامه دارد.

حادثه

دستگیری آدم‌ربایان قبل از قتل گروگان

● **مهر:** اعضای باند آدم‌ربایان ۳۰۰میلیونی قبل از اجرای نقشه قتل گروگان خود شناسایی و دستگیر شدند. مردی هفته گذشته با مراجعه به کارآگاهان پلیس آگاهی اهواز با طرح شکایتی گفت: «پسرم به نام مسعود با خودرو پژوپارس از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت. در این مدت هر چه با او تماس می‌گیریم پاسخگو نیست.» به این ترتیب پرونده‌ای در پلیس آگاهی تشکیل شد و تیمی از کارآگاهان تحقیقات را در این زمینه آغاز کردند. یک روز پس از این ماجرا شاکی با مراجعه به پلیس آگاهی ادعا کرد فرد ناشناسی با وی تماس گرفته و مدعی شده مسعود را ربوده و خودرو وی را در یکی از جاده‌های فرعی اهواز آتش زده است. در ادامه تیمی از ماموران به محل موردنظر رفتند و با خودرو سوخته پسر ربوده‌شده مواجه شدند. مرد آدم‌ربا در تماس بعدی خواستار دریافت ۳۰۰میلیون‌تومان برای آزادی گروگان خود شد با توجه به اینکه احتمال می‌رفت گروگانگیران اقدام به قتل مسعود کنند تحقیقات گسترده‌تر شد و چهار فرد آدم‌ربا شناسایی و در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شدند. پسر جوان نیز رها شد و به آغوش خانواده‌اش بازگشت. سرکرده این باند پس از دستگیری در بازجویی‌ها گفت: «من تعمیرگاه خودرو دارم. مسعود هر بار با یک خودرو مدل بالا به تعمیرگاه من مراجعه می‌کرد همین موضوع باعث شد با همدستی سه نفر از دوستانم نقشه ربودن وی را طراحی و اجرا کنیم. به‌دلیل اینکه مسعود مرا می‌شناخت، قرار بود پس از دریافت پول او را به قتل برسانیم و جسدش را در بیابان آتش بزنیم.» سرهنگ خواجوی، رییس پلیس آگاهی استان خوزستان با تایید این خبر گفت: متهمان پس از اعتراف به جرم خود با قرار قانونی روانه زندان شدند.

درخواست اصغر فرهادی از خانواده مقتول:

«ریحانه» را به حرمت انسانیت ببخشید

اصغر فرهادی در نامه‌ای خطاب به اولیای‌دم پزشک جراحی که توسط ریحانه به قتل رسیده است، خواستار عفو و بخشش شد. ریحانه هفت‌سال قبل در سن ۱۹سالگی در حالی‌که به‌عنوان طراح داخلی وارد منزل پزشکی میانسال شده بود تا خانه را به مطب تغییر بدهد، مرتکب قتل و به قصاص محکوم شد. دایره صلح و سازش دادسرای جنایی تهران با توجه به قطعی‌شدن حکم قصاص در دیوانعالی کشور هفته گذشته جلسه‌ای را برای جلب رضایت اولیای‌دم مقتول برگزار کرد. جمعی از هنرمندان در این جلسه حضور یافتند و با خانواده مقتول صحبت کردند. خود ریحانه نیز از آنها درخواست بخشش کرد اما اولیای‌دم بر خواسته‌شان مبنی بر اجرای حکم پافشاری کردند. در روزهای گذشته جمعی از فعالان مدنی تلاش‌هایی برای اخذ رضایت خانواده مقتول انجام داده‌اند. فرهادی نیز دیروز خطاب به خانواده «سربندی» نامه‌ای نوشت تا «ریحانه جباری» را که در آستانه اعدام است، ببخشند. ریحانه در زمان خردسالی در یکی از سریال‌های فرهادی بازی کرده بود.

در متن نامه این کارگردان سینمای ایران که نسخه‌ای از آن در اختیار ایسنا قرار گرفته آمده است: «خانواده محترم سربندی، سلام.

پیش از هر سخن، تسلیت مرا در داغی که دیده‌اید، پذیرا باشید. چندی پیش در یکی از روزهای میانی هفته، به قبرستانی که فوت‌شدگان فامیل در آن آرمیده‌اند سر زدم. هیچ‌کس آنجا نبود. من بودم و آن‌سوتر زنی که در چادر سیاه خود فرو رفته و بر سر مزاری نشسته بود. تنهایی‌اش در آن بعدازظهر ساکت و خلوت قبرستان، از آن لحظه‌هایی شد که همواره در ذهنم باقی خواهد ماند. لختی بعد برخاست. پیرزنی بود نحیف و خمیده‌قامت، آبی روی سنگ قبر ریخت و با دست آن را به‌دقت شست و رفت.

رفتم به سوی سنگ قبر خیس، سنگی کوچک و کهنه که حالا با گذر سالیان حروف نام صاحب آن ساییده بود و ناخوانا. به عادت همیشگی، تاریخ تولد و فوت را تفریق کردم. آنجا قبر جوانی بود ۱۷ساله که در سال ۱۳۵۵ به خاک رفته بود. ۳۸سال پیش. عجب آنکه پیرزن، ۳۸سال پس از مرگ عزیزش- به‌گمانم فرزندش- در خلوت یکی از روزهای میانی هفته، بیرون از هیاهوی روزگار، تنها بر سر خاک او نشسته و هنوز با او بود و در کنارش. سنگ ترک برداشته هم دیگر نام جوان ازدست‌رفته را بر خود نداشت و از یاد پاک کرده بود اما مادر هنوز سینه پیرش داغدار و دلتنگ جوانش بود. داغ، کهنه می‌شود اما فراموش نه.

عکس: شرق

حقیقت نیست اگر بگویم احساس شما را در این روزهای سخت درک می‌کنم. جای خالی یکی از اعضای خانواده‌تان و غم ازدست‌دادن او از یک‌سو، سخنان و قضاوت‌های تحریک‌آمیز و ناسنجیده‌ای که ناخن است بر زخم شما از سوی دیگر و واگذاردن سررشته مرگ و زندگی و سرنوشت دختری جوان در دستان شما از همه سنگین‌تر و سهمگین‌تر. با این حال امید دارم در این سخن کوتاه، منصف باشم.

من خانم «ریحانه جباری» را نمی‌شناسم، اما شنیده‌ام که او در خردسالی‌اش در یکی از سریال‌های من نقش کوتاهی بازی کرده است. ذهنم را می‌کاوم و چهره یک‌یک خردسالانی را که روزی در ساخته‌های من نقشی داشته‌اند از پیش چشم می‌گذرانم تا شاید بتوانم حدس بزنم کدامشان ممکن است «ریحانه» باشد. در چشم و چهره کدامشان اندک نشانه‌ای از آینده‌ای اینچنین غمبار و حزن‌انگیز می‌توان یافت. در لحن و زبان کودکانه کدامشان ردی از کسی می‌توان جست که فردایی نه‌چندان‌دور، هم‌نوعی را به قتل برساند، اما من در آن چهره‌ها که هنوز نمی‌دانم کدامشان «ریحانه» است، جز معصومیت هیچ نیافتم. چگونه ممکن است یکی از آن کودکان دوست‌داشتنی در آینده‌ای نه‌چندان‌دور، ثانیه‌های زندگی‌اش در کابوس نزدیک‌شدن به لحظه آویختنش از طناب‌دار به شماره بیفتد. اگرچه هیچ‌کدام از آن دخترکان معصوم در خیال‌بافی‌های کودکانه از آینده‌شان هرگز خود را در هیبت یک قاتل و اعدامی تخیل نکرده بودند، اما به‌سادگی شاید، هرکدام از آنان با یک اتفاق ساده و بیرون از اختیار و اراده‌شان می‌توانستند امروز جای «ریحانه» باشند و «ریحانه» در جمع کسانی که اخبار و احوال دختر جوانی محکوم به مرگ را دل‌نگران دنبال می‌کند. چه می‌شود که آن کودک معصوم دیروز، امروز جوانی می‌شود با دستانی آلوده به خون، در چندقدمی مرگی زودرس. ما مردمان کجای این داستانیم و چه سهمی در سیر آن کودک ناب و زلال و سرخوش دیروز به قاتل امروز داریم. هیچ جرمی، فقط یک مجرم ندارد و هیچ قتلی فقط یک قاتل. من دلگیری‌تان را از کسانی که نابخردانه شما را آزردند و شاید خشمی را سبب شدند که بر سرنوشت ریحانه در روزهای پیش‌رو تاثیر دارد، درک می‌کنم و با تمام وجودم از شما تقاضا دارم در روزگاری که بخشندگی حتی در جزیی‌ترین امور زندگی روزمره‌مان گم و ناپیداست، او را ببخشایید. من در تقویمم روزی را که شما با وجود همه رنج‌ها و دردهایتان که تا ابد همراهتان است، این انسان را به زندگی بازگردانید، روز بخشایش نام خواهم داد و نام شما را همواره به خاطر خواهم سپرد.

این گذشت تنها نجات یک فرد نیست. عملی است نمادین، ماندگار و آموزنده. دعوتی است از همگان به گذشت و بخشش. تشویق به گذشت‌کردن کسانی است که در موقعیتی چون شما، بر سر دوراهی بخشیدن و نبخشیدن ایستاده‌اند. شما با این گذشت انسان‌های زیادی را از مرگ نجات خواهید داد. شاید تقدیر آن است که خون بر زمین ریخته‌شده در این اتفاق ناگوار در راه هدیه‌کردن این مفهوم بزرگ و گرانقدر به دیگران به‌کار آید. شما با این تصمیم بزرگ، معنایی عمیق به مرگ عزیزتان خواهید بخشید. خانواده داغدار سربندی، به حرمت انسانیت، آن کودک خردسال دیروز را ببخشایید.»

جنایت در باغ فشم با انگیزه تعرض

شرق: زن جوانی که برای تعمیر خودرواش از نگهبان یک باغ کمک خواسته بود توسط وی به قتل رسید. به گزارش خبرنگار ما، فردی پانزدهم فروردین با مراجعه به پلیس آگاهی تهران به ماموران اعلام کرد خواهر ۳۶ساله‌اش به نام فاطمه با پژوپارس خودش از منزلش واقع در فلکه سوم تهرانپارس خارج شده و دیگر به منزل بازنگشته است. کارآگاهان مشخصات خودرو فاطمه را در اختیار تمام مراکز انتظامی سطح کشور گذاشتند و یک‌روز بعد پژوپارس در فشم و به‌صورت رهاشده پیدا شد. کارآگاهان در گام بعدی به محل کشف خودرو رفتند و باتوجه به احتمال وقوع جنایت و به‌منظور کشف جسد، با استفاده از سگ‌های آموزش‌دیده به جست‌وجو در منطقه موردنظر پرداختند و در نهایت جنازه‌ای را در باغی در نزدیکی محل کشف خودرو کشف کردند. سپس نگهبان ۳۵ساله باغ به نام «سخی» تحت بازجویی قرار گرفت. او در اظهارات اولیه خود مدعی شد از وجود جسد خبر نداشته اما پس از بازرسی محل سکونتش و کشف گوشی تلفن‌همراه متعلق به مقتول به ارتکاب جنایت اعتراف کرد. «سخی» که از اتباع کشور افغانستان است و به‌صورت غیرقانونی در ایران زندگی می‌کرد، در اعترافات خود به کارآگاهان گفت: «روز حادثه متوجه توقف پژوپارس در بیرون از باغ شدم. خودرو به دلیل نقص فنی خاموش شده بود و روشن نمی‌شد. راننده به محض دیدن من درخواست کمک کرد. من نیز چنددقیقه‌ای خودرو را بررسی کردم و سپس تصمیم گرفتم به آن زن تعرض کنم. به بهانه تاریکی هوا و خطرناک‌بودن محل، با طرح ادعای دروغین حضور همسرم در باغ از مقتول دعوت کردم تا زمان تعمیر خودرو به داخل باغ بیاید. به محض ورود این زن به باغ قصد عملی‌کردن خواسته‌ام را داشتم که مقتول با من درگیر شد و حتی به صورتم سیلی زد. در حالی‌که بسیار عصبانی شده بودم، شال مشکی‌رنگ مقتول را دور گردنش پیچیدم و او را به قتل رساندم سپس جسد را به قسمتی از باغ کشاندم و دفن کردم. قصد داشتم خودرو مقتول را به محل دیگری منتقل کنم اما فردای همان‌روز، ماموران کلانتری آن را در بیرون از باغ پیدا کردند.» سرهنگ آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تایید این خبر گفت: «باتوجه به کشف جسد و اعتراف صریح متهم به ارتکاب جنایت، قرار بازداشت موقت توسط مقام قضایی صادر شده و پرونده برای ادامه رسیدگی در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی قرار گرفته است.»

عکس: شرق

درخواست پلیس برای یافتن پسر ۳ساله

شرق: پلیس آگاهی تهران برای یافتن پسربچه‌ای سه‌ساله از مردم درخواست کمک کرد.

فردی روز چهارم فروردین با مراجعه به کلانتری نازی‌آباد از مفقودشدن پسربچه سه‌ساله خود خبر داد و پرونده برای رسیدگی در اختیار اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. مادر این کودک به کارآگاهان گفت: «روز حادثه، برای دید و بازدید عید به منزل یکی از بستگان در منطقه نازی‌آباد رفته بودیم. بعد از خوردن ناهار حدودا ساعت ۱۵ بود که پسرم با سایر بچه‌ها برای بازی از خانه بیرون رفت و از آن زمان دیگر بازنگشته است. بچه‌هایی که همراهش بودند می‌گویند آن‌موقع رفته بودند تا بستنی بگیرند و او را ندیده‌اند که کجا رفته است.

ما تمام محل، پارک منطقه و بیمارستان‌ها را جست‌وجو کردیم اما از او خبری به دست نیاوردیم.» مرکز اطلاع‌رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ درباره این پرونده اعلام کرد: «از زمان ارجاع این پرونده به پلیس آگاهی، اقدامات و تحقیقات پلیسی برای مشخص‌شدن سرنوشت پسربچه در دستور کار کارآگاهان اداره یازدهم آغاز شده و کماکان ادامه دارد. همچنین مجوز انتشار تصویر این پسربچه توسط مقام قضایی صادر شده است و از شهروندانی که اطلاعی از سرنوشت این پسربچه دارند درخواست می‌شود اطلاعات خود را از طریق شماره تماس ۵۱۰۵۵۵۱۱ در اختیار کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی قرار دهند.»

رخداد

نجات ۲۵ کارگر از میان آتش

● **شرق:** ۲۵ کارگر در جریان آتش‌سوزی انبار ساختمان در حال احداث در سعادت‌آباد از میان دود و آتش نجات یافتند. شهروندان طی تماس با سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی، وقوع این آتش‌سوزی را اطلاع دادند که بلافاصله آتش‌نشانان به محل حادثه واقع در خیابان سعادت‌آباد اعزام شدند. محمود شادکی، مدیر منطقه دو عملیات آتش‌نشانی که از لحظات اولیه در محل حضور داشت در این‌باره گفت: طبقات منفی یک و دو این ساختمان شش‌طبقه که بخش انبار این ساختمان در حال احداث بود به‌دلیل نامعلومی دچار آتش‌سوزی شد و مقدار زیادی رول‌های قیرگونی و یونولیت‌های سقفی در کام آتش فرو رفت. وی افزود: انبارداری غلط و تجمع زیاد این رول‌ها در قسمت‌های مختلف این طبقه، دسترسی آتش‌نشانان را به کانون آتش دشوار کرده بود. شادکی ادامه داد: آتش‌نشانان به دو گروه تقسیم شدند. گروهی برای جست‌وجو و نجات محبوس‌شدگان احتمالی در طبقات بالاتر مشغول عملیات شدند و گروه دیگری هم به وسیله تجهیزات انفرادی و لوله‌های آبده، به مبارزه با آتش پرداختند و توانستند در مدتی کوتاه این آتش‌سوزی را پیش از گسترش بیشتر آن مهار و خاموش کنند. وی با اشاره به تخلیه کامل دود از طبقات مختلف این ساختمان، خاطرنشان کرد: خوشبختانه در جریان این آتش‌سوزی ۲۵نفر از کارگران که در طبقات محبوس شده بودند توسط آتش‌نشانان به بیرون از محل انتقال داده شدند. شادکی ادامه داد: یکی از کارگران در این حادثه دچار دودزدگی سطحی شده بود که نیروهای آتش‌نشانی پس از انتقال وی به بیرون از ساختمان، او را تحویل امدادگران اورژانس دادند. علت این آتش‌سوزی توسط کارشناسان آتش‌نشانی در حال بررسی است.

برخورد کامیون با ۱۱ خودرو سواری

● **شرق:** کامیونی در بزرگراه چمران با ۱۱ خودرو سواری برخورد کرد. این حادثه که شامگاه چهارشنبه در مسیر شمال به جنوب بزرگراه چمران، نرسیده به میدان توحید رخ داد و کامیون به علت نامعلومی با ۱۱ خودرو سواری شامل چهار دستگاه پژو ۴۰۵، دو دستگاه پراید، دو دستگاه پژو ۲۰۶، یک دستگاه پژو پرشیا، یک دستگاه خودرو پروتون و نیز یک دستگاه پاترول برخورد کرد که خساراتی به آنها وارد شد. با اعلام وقوع این حادثه به ستاد فرماندهی آتش‌نشانی تهران، آتش‌نشانان به آنجا رفتند. به گفته حسین نورالهی فرمانده آتش‌نشانان، در جریان این حادثه یک عابر پیاده که پسر ۱۵ساله‌ای بود به علت برخورد با خودروهای تصادفی دچار آسیب‌دیدگی شد که آتش‌نشانان با رعایت موارد ایمنی این شخص را که در کنار خیابان افتاده بود برای مداوا و اعزام به مرکز درمانی در اختیار امدادگران اورژانس قرار دادند. وی افزود: در جریان این حادثه، هیچ یک از رانندگان و سرنشینان خودروها صدمه جانی ندیدند و به سلامت از خودروهای خود خارج شدند. نورالهی گفت: علت این حادثه از سوی پلیس راهور تحت بررسی است.

دستگیری قاتل مسلح

● **ایرنا:** رییس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی لرستان از دستگیری قاتل مسلح که ۱۵ فروردین مرتکب قتل شده بود، خبر داد. سرهنگ «قدرت‌اله دالوند» گفت: در پی قتل فردی با سلاح گرم، تحقیقات آغاز و مشخص شد علت قتل درگیری با انگیزه اختلافات خانوادگی است. دالوند تصریح کرد: ماموران با انجام تحقیقات گسترده و تجزیه و تحلیل خبرها در نهایت سرنخی از قاتل به دست آوردند و او را دستگیر کردند. وی گفت: قاتل ضمن اعتراف به قتل، اعلام کرد مقتول را در جریان درگیری و با شلیک دو گلوله به قتل رسانده است. دالوند با اشاره به اینکه در بازرسی از منزل قاتل یک قبضه سلاح کلت کمری کشف شد، افزود: با توجه به اقرار سریع متهم، پرونده به همراه فرد متهم تحویل مرجع قضایی شده است.

سارقان خودرو به دام افتادند

● **فارس:** ماموران انتظامی استان البرز موفق به دستگیری دو سارق حرفه‌ای خودرو و داخل خودرو شدند. سیدحسین سیدحقیقی، فرمانده انتظامی کرج در این‌باره توضیح داد: ماموران حین گشت‌زنی به خودرو سواری پژو که بدون سرنشین در کوچه‌ای پارک شده بود، مشکوک شدند. وی ادامه داد: با اخذ استعلام مشخص شد خودرو مورد نظر مسروقه است از همین‌رو ماموران با انجام اقدامات تخصصی و تجسسی و تحقیق از اهالی محل دریافتند سرنشینان خودرو دو نفر بوده و حدود ۳۰ دقیقه قبل خودرو را در آنجا رها کرده‌اند. فرمانده انتظامی کرج افزود: ماموران دو متهم را شناسایی و دستگیر کردند. سیدحقیقی افزود: متهمان دستگیر شده در بازجویی‌های فنی ضمن اعتراف به سرقت خودرو مکشوفه، به سرقت خودرو پراید و ۲۰ فقره سرقت داخل خودرو معترف شدند.

بریده اخبار

- وقوع زمین‌لرزه‌ای به قدرت ۶/۱ ریشتر در شمال «ماناگوآ»، پایتخت نیکاراگوئه ۲۴ مجروح برجای گذاشت.
- سارقی با ۲۲ فقره سرقت از مغازه‌ها در ارومیه دستگیر شد.
- داغ کردن ناشیانه قیر در منزل مسکونی حادثه‌ساز شد. آتش‌نشانان تهرانی از بروز آتش‌سوزی جلوگیری کردند.

م/الف ۱۰۱
آگهی دعوت به تجدید فراخوان ارزیابی کیفی
مناقصه بین المللی شماره ۱۳-۹۰-۱۱
وزارت راه و شهرسازی
شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران (سهامی خاص)
شرکت راه آهن ج.ا.ا در نظر دارد بنابر آئین نامه اجرائی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی تامین کنندگان صاحب صلاحیت جهت دعوت به مناقصه به شرح زیر اقدام نماید.
۱-شرح مختصر موضوع مناقصه: خرید ۲۰ دستگاه لکوموتیو جرثقیل دار ۴۰ تنی
۲-مدت زمان و محل تحویل: مدت زمان تحویل ۱۵ ماه و محل تحویل بندرعباس می باشد.
۳-مهلت و محل دریافت اسناد ارزیابی کیفی: متقاضیان می توانند حداکثر تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۰ (مطابق با ۲۰۱۴/۰۵/۱۰) با در دست داشتن معرفی نامه کتبی جهت دریافت اسناد ارزیابی به نشانی: تهران، میدان آرژانتین، ابتدای بلوار آفریقا، ساختمان مرکزی راه آهن، طبقه دوم اداره کل تدارکات و پشتیبانی، اداره اعتبارات اسنادی مراجعه نمایند.
۴-مهلت و محل تحویل اسناد تکمیل شده: حداکثر تا ساعت ۱۶ روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۲۰ (مطابق با ۲۰۱۴/۰۶/۱۰) اداره کل تدارکات و پشتیبانی به نشانی فوق.
۵-متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی مبلغ چهارصدهزار (۴۰۰/۰۰۰) ریال به حساب ۶۷-۵۷۴ نزد خزانه بانک مرکزی به نام راه آهن (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی) واریز و به اداره اعتبارات اسنادی این اداره کل به نشانی فوق مراجعه نمایند.
۶-دریافت اسناد ارزیابی کیفی از طریق سایت HTTP://IETS.MPORG.IR به صورت رایگان امکان پذیر می باشد.
هزینه چاپ و نشر آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.
پس از ارزیابی کیفی، از تامین کنندگان صاحب صلاحیت که حداقل امتیاز لازم را کسب نموده باشند جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت به عمل خواهد آمد.
اداره کل تدارکات و پشتیبانی راه آهن ج.ا.ا.

م/الف ۱۲۱
آگهی
بانک ملی ایران
آقای فتح اله قادسی کارمند بانک ملی ایران، باطلاع می رساند به موجب رای قابل پژوهش شماره ۱۶۰۲/۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۲ هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری به اخراج از بانک ملی ایران محکوم گردیده اید. مقتضی است چنانچه نسبت به رای صادره اعتراضی دارید موارد اعتراض کتبی خود را به طور مشروح و مستدل و حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ درج این آگهی به بیمارستان بانک تسلیم نمایید و در صورت عدم اعتراض نسبت به رای صادره در مهلت مقرر در قانون، رای صادره در مورد شما قطعیت یافته و به مرحله اجرا درخواهد آمد. لذا مراتب طبق ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی در یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار برای اطلاع شما درج می گردد.
بانک ملی ایران

www.sharghdaily.ir